

عقيدة أهل السنة والجماعة

عقيدة أهل سنت و جماعت

عقیده اهل سنت و جماعت

به قلم شیخ علامه

محمد بن صالح العثیمین

غفر الله له ولوالديه وللمسلمین

*

به نام الله بخشاینده مهربان

مقدمه شیخ

عبدالعزیز بن عبدالله بن باز

ستایش تنها از آن الله است، و درود و سلام بر آنکه
پیامبری پس از وی نیست، و بر آل و اصحاب او باد، اما بعد:
اخیرا از رساله با ارزش مختصری در باب عقیده که
برادرمان شیخ علامه محمد بن صالح العثیمین نوشته اند آگاه
شدم، و همه آن را شنیدم و آن را شامل بر بیان عقیده اهل سنت
و جماعت در باب توحید الله و نامها و صفات او، و در باب
ایمان به ملائکه و کتابها و پیامبران و آخرت و تقدیر - خیر و
شر آن - یافتیم.

ایشان در گردآوری این رساله بسیار نیکو و مفید عمل
کرده اند، و هرآنچه طالب علم و هر مسلمانی در امر ایمان به
الله و ملائکه و کتابها و پیامبران الهی و روز بازپسین و تقدیر
خیر و شر به آن نیازمند هستند را در آن ذکر کرده اند، و

نکاتی با ارزش را درباره عقیده به آن افزوده اند که ممکن است در بسیاری از کتب نوشته شده در باب عقیده موجود نباشد.

الله به ایشان جزای خیر دهد، و بر علم و هدایتشان بیفزاید، و با این کتاب و دیگر تالیفاتشان سود برساند، و ما و ایشان و دیگر برادرانمان را هدایت شده، و هدایتگر و دعوتگر به سوی الله قرار دهد؛ همانا او شنوا و نزدیک است.

فقیر به درگاه الله تعالی: عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، الله متعال او را مورد عفو و بخشش قرار دهد، و درود و سلام بر پیامبر ما محمد و بر آل و اصحاب او باد.

ریاست کل

مدیریت پژوهشهای علمی و فتوا و دعوت و ارشاد

*

به نام الله بخشاینده مهربان

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است و عاقبت از آن پرهیزگاران است. و تجاوز روا نیست مگر بر ستمگران، و گواهی می دهیم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی شریک است، آن فرمانروای برحق آشکار، و گواهی می دهیم که پیامبرش خاتم پیامبران و امام متقیان است، درود الله بر او و بر یاران او، و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد: الله تعالى پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - را با هدایت و دین حق به عنوان رحمتی برای جهانیان، و الگوی عالمیان، و حجتی بر همهٔ بندگان فرستاد، که با او و با آنچه بر او نازل نمود، یعنی کتاب و حکمت، هر آنچه را که صلاح بندگان و سامان یابی اوضاع دینی و دنیوی آنان در آن است، از جمله عقاید صحیح، و اعمال درست، و اخلاق فاضل، و آداب والا را تبیین کرد.

و امتشان را بر راهی روشن رها کردند که شبش همانند روز آن است، و جز آنکه هلاک شده، کسی از این راه به بی راهه نمی رود.

امت ایشان که الله و پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - را لیبیک گفتند، یعنی بهترین امت از صحابه و تابعین، و کسانی که به نیکی از آنان پیروی کردند، بر همین مسیر رفتند و شریعت او را برپا نمودند، و به سنت او تمسک جستند، و با بن دندان آن را از منظر عقیده و عبادت و اخلاق و ادب، محکم گرفتند. در نتیجه آنان همان گروهی هستند که پیرومندان بر حق ماندند، و ترک یاری دیگران یا مخالفت آنان زیانی به آنها نمی رساند، تا آنکه امر پروردگار فرا رسید در حالی که بر همین راه هستند.

و ما نیز می گوئیم که الحمدلله بر جای پای آنان قدم گذاشته ایم، و بر اساس سیرت آنان که از کتاب و سنت برآمده هدایت بسته ایم، و این را از روی بیان نعمتهای الهی می گوئیم، و بیان آنچه هر مؤمن باید بر آن باشد.

و از الله تعالى خواهانیم که ما و برادران مسلمان ما را با سخن استوار در دنیا و آخرت پایدار گرداند، و از سوی خود به ما رحمتی ارزانی دارد، که او بس بخشنده است.

به دلیل اهمیت این موضوع و متفاوت بودن احوال [تمایلات] و بدعتها، در این زمینه دوست داشتم که عقیده خودمان یعنی باور اهل سنت و جماعت را به شکل مختصر بیان دارم، یعنی: ایمان به الله، ایمان به ملائکه و کتابها و پیامبران و آخرت و قدر - خیر و شر آن، و از الله تعالى خواهانم که این تلاش را خالص برای خودش، و هماهنگ با خشنودی اش، و سودمند برای بندگان بگرداند.

مؤلف

*

عقیده ما

عقیده ما: ایمان به الله، و ملائکه او، و کتابهایش، و پیامبران، و روز آخرت، و به تقدیر، خیر آن و شر آن.

ما به ربوبیت (پروردگاری) الله تعالى ایمان داریم، یعنی به اینکه او پروردگار، آفریدگار، و فرمانروای تدبیرگر همه امور است.

و به او الوهیت او نیز باور داریم، یعنی اینکه او معبود به حق است، و هر آنچه جز او پرستش می شود باطل است.

و به نامها و صفات او باور داریم، یعنی آنکه او دارای نامهای نیک و صفات کامل والا است.

و ایمان داریم به اینکه او در همهٔ اینها یگانه است، یعنی آنکه در ربوبیت، و در الوهیت، و در نامها و صفاتش هیچ شریک و همتایی ندارد،

قال الله تعالى: {رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا} [مریم: 65].

الله تعالی می فرماید: {پروردگار آسمان ها و زمین و آن چه میان آن هاست؛ پس تنها او را عبادت کن و بر عبادتش شکبیا [و پایدار] باش، آیا شبیه و همانند برای الله می شناسی؟} [مریم: ۶۵].

و ایمان داریم به اینکه: {الله [معبود راستین است؛] هیچ معبودی [به حق] جز او نیست؛ زندهٔ پاینده [و پایدارساز خلاق] است؛ نه خوابی سبک او را فرا میگیرد و نه خوابی سنگین؛ آنچه در آسمان ها و زمین است، از آن اوست. کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟ گذشته و آیندهٔ آنان [= بندگان] را می داند و [آنان] به چیزی از علم او احاطه [و آگاهی] نمی یابند، مگر آنچه خود بخواهد. کرسی او آسمان ها و زمین را در بر گرفته است و نگه داشتن آنها بر او [سنگین و] دشوار نیست، و او بلندمرتبه [و] بزرگ است} [بقره: ۲۵۵].

و ایمان داریم به اینکه: {او الله است که معبودی [راستین] جز او نیست؛ دانای غیب و آشکار است؛ او بخشندهٔ مهربان است. او الله است که معبودی [به حق] جز او نیست؛ [اوست] فرمانروا، منزّه، بی عیب و نقص، تصدیق کنندهٔ [پیامبران]، مراقب [اعمال بندگان]، قدرتمند شکست ناپذیر، شکوهمند و شکست دهندهٔ مطلق، والامقام و شایستهٔ عظمت. الله از چیزهایی که [برای او به عنوان] شریک می آورند، پاک و منزّه است. او الله است، خالق، نوآفرین، نقشبند [بی نظیر] برای او نام های نیک است، آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می گویند، و او پیروزمند حکیم است} [حشر: ۲۲-۲۴].

و ایمان داریم به اینکه فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست: {او هر چه بخواهد، می آفریند؛ به هر کس که بخواهد، [فرزند] دختر می بخشد و به هر کس که بخواهد، [فرزند] پسر. یا پسر و دختر را - هر دو - با هم می دهد؛ و هر کس را که بخواهد، نازا می گرداند که او دانای تواناست} [شوری: ۴۹-۵۰].

و ایمان داریم به اینکه: {چیزی همانند او نیست و اوست آن شنوای بینا. کلید [گنجینه های] آسمانها و زمین در اختیار اوست؛ [نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد، گسترده می دارد و یا تنگ می گیرد. به راستی که او بر هر چیزی داناست.} [شوری: ۱۱-۱۲].

و ایمان داریم به اینکه: {و هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر [اینکه] روزی اش بر عهده الله است، و [او] قرارگاه و محل مرگش را می داند. همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است} [هود: ۶].

و باور داریم که: {و کلیدهای [گنجینه های] نهان نزد اوست، [و] جز او [هیچ کس] آن را نمی داند، و [اوست که] آنچه را در خشکی و دریاست می داند و هیچ برگی [از درخت] نمی افتد مگر اینکه آن را می داند؛ و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [= لوح محفوظ] قرار دارد} [انعام: ۵۹].

و ایمان داریم که: {بی تردید، آگاهی [از زمان وقوع] قیامت، [تنها] نزد الله است و [اوست که] باران نازل می کند و آنچه را که در رَحِم هاست می داند؛ و کسی نمی داند فردا چه به دست می آورد، و هیچ کس آگاه نیست که در کدام سرزمین می میرد. به راستی که الله دانای آگاه است} [لقمان: ۳۴].

و ایمان داریم که الله هرچه بخواهد می گوید، و هرگاه و به هر شکل که بخواهد سخن می گوید.

{وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا} [النساء: 164]، {وَلَمَّا جَاء مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ} [الأعراف: 143]، {وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا} [مریم: 52].

{و الله با موسى آشکارا [و بی واسطه] سخن گفت} [نساء: ۱۶۴]،

{و هنگامی که موسی به وعده گاهِ ما آمد و پروردگارش [بی واسطه] با او سخن گفت...} [اعراف: ۱۴۳]،

{و [ما] او را از سمت راست [کوه] طور ندا دادیم، و او را مناجات کنان [به خویش] نزدیک ساختیم} [مریم: ۵۲].

{بگو: اگر دریا برای [نگارش] کلمات پروردگارم جوهر شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد، قطعاً دریا به پایان می رسد} [کهف: ۱۰۹]،

{وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ} [لقمان: 27].

{اگر [همه] درختان روی زمین قلم شود و دریا [مربک گردد]، و هفت دریای دیگر به یاری اش بیاید [تا دانش الهی را بنویسند]، سخنان الله پایان نمی یابد. بی تردید، الله شکست ناپذیر حکیم است} [لقمان: ۲۷].

و ایمان داریم که سخنان او کاملترین سخنان است که اخبارش راست، و احکامش عدل، و بیانش نیکو است،

{وَوَسَّيْتُ كَلِمَةً رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا} [الأنعام: 115]، وقال: {وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا} [النساء: 87].

الله تعالی می فرماید: {و سخن پروردگارت به راستی و عدل سرانجام گرفته است} [انعام: ۱۱۵]،

و می فرماید: {و کیست که از الله راستگوتر باشد} [نساء: ۸۷].

و ایمان داریم که قرآن کریم کلام الله تعالی است، که به راستی به آن سخن گفته، و به جبرئیل القا نموده، و جبرئیل آن را بر قلب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نازل کرده است.

{قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ} [النحل: 102]، {وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ} [الشعراء: 192-195].

{بگو روح القدس [= جبرئیل] آن را از جانب پروردگارت به حق نازل کرده است} [نحل: ۱۰۲]،

{و به راستی [این] قرآن فروفرستاده پروردگار جهانیان است، که روح الامین [= جبرئیل] آن را بر قلب تو نازل نمود، تا از هشدار دهندگان باشی به زبان عربی آشکار} [شعراء: ۱۹۲-۱۹۵].

و ایمان داریم که الله عزوجل با ذات و صفاتش بالاتر و برتر از خلائق است؛

لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ} [البقرة: 255]، وقوله: {وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ} [الأنعام: 18].

زیرا می فرماید: {و اوست بلند مرتبه بزرگ} [بقره: ۲۵۵]،

و می فرماید: {و او بر بندگان چیره و فوق آنان} است؛
و او حکیم آگاه است} [انعام: ۱۸].

{و ایمان داریم به اینکه: {آسمانها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس [آن گونه که شایسته جلال و مقام اوست]، بر عرش قرار گرفت. او کار [جهان] را تدبیر می کند} [یونس: ۳]، و استوای الله بر عرش یعنی قرار گرفتن او بر عرش با ذات خود، برتری خاصی که لایق جلال و عظمت اوست، و کیفیتش را کسی جز او جل و علا نمی داند.

و ایمان داریم به این که او تعالی در حالی که بر عرش خود با بندگان خود همراه است، احوال آنان را می داند، و سخنانشان را می شنود، و کارهایشان را می بیند، و امورشان را تدبیر می کند؛ فقیر را روزی می دهد و دلشکسته را التیام می بخشد، فرمانروایی را به هر کس که بخواهد می دهد، هر که را بخواهد عزت می دهد و هر که را بخواهد خوار می سازد، خیر به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

کسی که امرش چنین است حقیقتاً همراه با خلق خود است، اگرچه در حقیقت بر عرش خود باشد،

{لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ} [الشوری: ۱۱].

{چیزی همانند او نیست و اوست آن شنوای بینا} [شوری: ۱۱].

و همانند سخن اهل حلول - از جهمی و دیگران - نمی گویم که با بندگان در زمین است، و کسی را که چنین بگوید کافر و گمراه می بینیم؛ زیرا او الله را به نقصی که شایسته او نیست، توصیف کرده است.

و به آنچه پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - ما را از آن باخبر ساخته ایمان داریم که الله هر شب در یک سوم پایانی آن به آسمان دنیا نازل می شود، و می فرماید: «من یدعونی فأستجیب له؟ من یسألنی فأعطیه؟ من یستغفرنی فأغفر له؟». «کیست که مرا بخواند تا او را استجابت کنم؟ کیست که از من بخواهد تا به او عطا کنم؟ کیست که از من آمرزش بخواهد تا او را بیامرزم؟».

و ایمان داریم که الله سبحانه و تعالی در روز معاد برای داوری میان بندگان می آید؛

لقله تعالی: {كَ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى} [الفجر: 21-23].

الله تعالی می فرماید: {هرگز چنین نیست [که شما گمان میکنید]؛ هنگامی که زمین سخت در هم کوبیده شود [و هموار گردد]، و پروردگارت [برای دادرسی] بیاید و [نیز] فرشتگان صف در صف [بایستند]، و در آن روز جهنم آورده شود، در آن روز است که انسان [کافر] پند می گیرد [و توبه

می کند]؛ و [اما] این پند گرفتن، چه سودی برایش دارد؟ {
[فجر: ۲۱-۲۳].

و ایمان داریم که الله {آنچه را که اراده کند انجام می دهد}
[هود: ۱۰۷].

و ایمان داریم که اراده او تعالی بر دو نوع است:

اراده گونی (متعلق به هستی): که این اراده الله رخ می
دهد اما الزاما مورد پسند او نیست، و این همان چیزی است
که در معنای مشیت است،

كقوله تعالى: {وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَنَّاكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ}
[البقرة: 253]، {إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ} [هود: 34].

مانند این سخن حق تعالی: {و اگر الله می خواست،
[هرگز] با هم نمی جنگیدند؛ ولی الله آنچه را می خواهد، انجام
می دهد} [بقره: 253]،

{اگر الله بخواهد [که نابود و] گمراهتان سازد. او
پروردگار شماست} [هود: ۳۴].

و اراده شرعی: که الزاما به معنای وقوع آن نیست، اما
الزاما مورد پسند اوست،

كقوله تعالى: {وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ} [النساء: 27].

مانند این سخن حق تعالی: {و الله می خواهد توبه شما را
بپذیرد} [نساء: ۲۷].

و ایمان داریم که اراده گونی و شرعی او تابع حکمت اوست، یعنی هر آنچه طبق اراده گونی اش قضا نموده یا بنابر اراده شرعی اش از بندگان خواسته است، بر اساس حکمت است، چه به برخی از این حکمتها پی ببریم یا عقل ما از درک آن قاصر باشد،

{أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ} [التين:8]. {وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ} [المائدة:50].

{آیا الله بهترین داوران نیست؟!} [تین: ۸].

{و برای اهل یقین، حکم [و داور] چه کسی بهتر از الله است؟!} [مائدة: ۵۰].

و ایمان داریم که الله متعال دوستان خود را دوست دارد و آنان نیز دوستش دارند

{قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ} [آل عمران:31]، {فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ} [المائدة:54]، {وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ} [آل عمران:146]، {وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ} [الحجرات:9]، {وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ} [البقرة:195].

{بگو: اگر الله را دوست دارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد} [آل عمران: ۳۱]،

{الله به زودی گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد و آنها [نیز] او تعالی را دوست دارند} [مائدة: ۵۴]،

{و الله صابران را دوست دارد} [آل عمران: ۱۴۶]،

{و به عدالت رفتار کنید که الله عادلان را دوست دارد}
[حجرات: ۹]،

{و نیکی کنید که الله نیکوکاران را دوست میدارد} [بقره:
۱۹۵].

و ایمان داریم که الله تعالی که به کردارها گفتارهایی که
تشریع نموده [و به آن امر نموده] راضی است، و آنچه را از
آن نهی نموده نمی پسندد

{إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا
يَرْضَاهُ لَكُمْ} [الزمر: 7]، {وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ
اعْبُدُوا مَعَ الْآعَادِينَ} [التوبة: 46].

{اگر ناسپاسی کنید، [بدانید که] الله از شما بی نیاز است
و هرگز ناسپاسی بندگانش را نمی پسندد؛ و اگر شکر او را
به جای آورید، این کار را برایتان می پسندد} [زمر: ۷]،

{ولی الله رهسپاری آنان را نپسندید؛ پس آنان را منصرف
نمود و [به آنان] گفته شد: با خانه نشینان بمانید} [توبه: ۴۶].

و ایمان داریم که الله تعالی از کسانی که ایمان آورده اند و
اعمال نیک انجام داده اند راضی می شود

{رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ رَبَّهُ} [البينة: 8].

{الله از آنها راضی است و آنان [نیز] از او راضی‌اند؛ و این [مقام و پاداش،] برای کسی است که از پروردگارش بترسد} [بینه: ۸].

و ایمان داریم که الله عزوجل بر هرکه مستحق خشم او باشد - از جمله کافران و دیگران - خشم می‌گیرد

{الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ} [الفتح: 6]، {وَلَكِنْ مَن شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ} [النحل: 106].

{که به الله گمان بد می‌برند، عذاب کند، حوادث ناگوار و بد بر آنان باد، و الله بر آنها خشم گرفته} [نحل: ۱۰۶].

{مگر کسی که [به این کار]، وادار شده باشد [ولی] دلش به ایمان، آرام [و استوار] باشد؛ اما هر کس سینه اش را به کفر بگشاید، خشم الله بر آنان است و عذابی سهمگین [در پیش] دارند} [نحل: ۱۰۶].

و باور داریم که الله تعالی وجه (چهره - رویی) دارد که موصوف به جلال و اکرام است:

{وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ} [الرحمن: 27].

{و [تنها ذات جاوید و] روی پروردگار باشکوه و ارجمندت باقی خواهد ماند} [رحمان: ۲۷].

و ایمان داریم که الله تعالی دو دست گرامی عظیم دارند

{بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ} [المائدة: 64]، {وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ} [الزمر: 67].

{بلکه هر دو دست او گشاده است [و] هر گونه که بخواهد، می بخشد} [مائده: ۶۴]،

{و آنان الله را چنان که سزاوار اوست، ارج ننهادند، حال آن که در روز قیامت، زمین یک سره در قبضه اوست، و آسمان ها در دست راست وی درهم پیچیده خواهند شد، الله منزه و برتر است از آنچه که شریک او می پندارند} [زمر: ۶۷].

و ایمان داری که الله تعالی دو چشم حقیقی دارد؛ زیرا می فرماید:

{وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا} [هود: 37]،

{و [اکنون] به دیدگان ما و به وحی ما، کشتی را بساز} [هود: ۳۷]، وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «حجابه النُّور، لو كشفه لأحرقت سبحات وجهه ما انتهى إليه بصره من خلقه». و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «حجابش نور است که اگر آن را بردارد جلال چهره اش همه آفریدگانی که نگاهش به آنان می رسد را می سوزاند».

و اهل سنت بر این اجماع دارند که دیدگان او دو تاست، و این سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - درباره دجال، این را

تایید می کند که می فرماید: «إِنَّهُ أَعور، وَإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَعور». «او یک چشم است، حال آنکه پروردگار شما یک چشم نیست».

و ایمان داریم به اینکه الله تعالی:

{لَا تُذِرْكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُذِرُكَ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ} [الأنعام:103].

{چشم ها او را در نمی یابند [ولی] او چشم ها را در می یابد، و اوست که باریک بین و آگاه است} [انعام: ۱۰۳].

و ایمان داریم که مؤمنان در روز قیامت پروردگارشان را خواهند دید

{وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ} [القيامة:22-23].

{ آن روز، [اهل ایمان دارای] چهره هایی تازه [و شاداب] هستند، به سوی پروردگارشان نظاره گرند} [قیامت: ۲۲-۲۳].

و ایمان داریم که الله تعالی به دلیل کمال صفاتش، مانند ندارد

{لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ} [الشورى:11].

{چیزی همانند او نیست و اوست آن شنوای بینا} [شورى: ۱۱].

و ایمان داریم به اینکه به سبب کمال حیات و قیومیتش، {نه خواب سبک او را فرا می گیرد و نه خوابی سنگین} [بقره: ۲۵۵].

و ایمان داریم که او از روی کمال عدالتش، به هیچکس ستم روا نمی دارد؛ و همچنین از این رو که به سبب کمال نظارت و احاطه اش از اعمال بندگان غافل نیست.

و ایمان داریم که به دلیل کمال علم و قدرتش هیچ چیز در آسمان ها و در زمین او را ناتوان نمی سازد
{إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ} [یس: 82].

{فرمان او چون چیزی را اراده کند تنها این است که به آن می گوید: «شو»؛ پس [بی درنگ] می شود} [یس: ۸۲].

و اینکه به سبب کمال قدرتش دچار خستگی نمی شود
{وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ} [ق: 38]

{ما آسمان ها و زمین و آن چه را که میان آن هاست، در شش روز آفریدیم و [هرگز] رنج و خستگی به ما نرسید} [ق: ۳۸] یعنی: از خستگی و رنج.

و ایمان داریم که هر نام و صفتی که الله برای خود ثابت نموده یا پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - برای او اثبات نموده برایش ثابت است، اما از دو محذور بزرگ تبری می جوئیم: تمثیل و تکییف.

تمثیل: یعنی آنکه با دل یا زبانش بگوید که صفات الله تعالی مانند صفات آفریدگان است.

تکیف: یعنی آنکه با دل یا زبانش بگوید که کیفیت صفات الله چنین و چنان است.

و به نفی هر آنچه الله از خودش نفی نموده، یا پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - آن را از الله نفی نموده، باور داریم و اینکه این نفی دربر دارنده اثبات کمالی است ضد آن، و از آنچه الله و پیامبرش درباره اش چیزی نگفته اند سکوت می کنیم.

و باور داریم که این روش فرض است و راهی جز آن نیست؛ زیرا هر آنچه الله درباره صفات خود اثبات یا نفی نموده، این خبری است از سوی الله درباره خودش، و او سبحانه و تعالی به خود آگاهتر است، و او راست گفتار است، و علم بندگان به او احاطه ندارد.

اما آنچه پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - درباره او اثبات یا نفی نموده نیز خبری است، که او [توسط وحی] دریافت کرده، و او آگاهترین مردم نسبت به پروردگار، و خیرخواهترین آنان در حق خلق، و راستگوترین و فصیح ترین آنان است.

بنابر این سخن الله تعالی و پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - کمال علم و راستی و بیان را در خود دارد، پس عذری برای رد آن یا تردید در پذیرش آن وجود ندارد.

فصل

همه آنچه درباره صفات الله تعالى به تفصیل یا اجمال، یا نفی و یا اثبات ذکر کردیم؛ بر اساس کتاب الله و سنت پیامبرمان بوده است، و بر اساس آنچه سلف امت و امامان هدایت بوده و کسانی که پس از آنان آمده اند.

ما باور داریم که در این امر باید نصوص کتاب و سنت بر اساس ظاهر آن حمل شود، و بر اساس حقیقت آن چنانکه شایسته الله عزوجل است.

و از روش اهل تحریف برائت می جوئیم؛ آنها که [الفاظ وحی] را بر خلاف مراد الله و پیامبرش چرخانده اند.

و از روش اهل تعطیل، که الفاظ را از مدلول و معنایی که الله و پیامبرش اراده کرده اند، تهی کرده اند.

و از روش اهل غلو در این امر، که این صفات را حمل بر تمثیل و همانند سازی کرده اند، یا متکلفانه برای معنای آن کیفیت قائل شده اند.

و به یقین می دانیم که هر آنچه در کتاب الله یا سنت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمده همان حق است و برخی از آیات در تناقض با برخی دیگر نیست؛

لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْقَانَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا} [النساء: 82]

زیرا الله تعالى می فرماید: {آیا در قرآن نمی اندیشند که اگر از سوی [کسی] غیر از الله بود، قطعاً اختلاف [و تناقض] بسیاری در آن می یافتند} [نساء: ۸۲]

همچنین تناقض در اخبار، مستلزم این است که برخی از این آیات برخی دیگر را تکذیب کنند، و این درباره خبری که از سوی پروردگار تعالی یا پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - آمده، محال است.

و کسی که مدعی شود در کتاب الله یا در سنت پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - یا بین این دو تناقض است چنین ادعایی از روی سوء نیت، و انحراف درونی اوست، و باید از این گمراهی خود بازگردد و توبه کند.

و کسی که دچار چنین توهمی می شود و گمان می کند در کتاب الله یا در سنت پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - یا بین کتاب و سنت تناقضی وجود دارد، این یا به سبب کمبود علم اوست یا به سبب قصور در فهم، یا کوتاهی در تدبر و دقت [در آیات و احادیث]. چنین کسی باید در پی علم باشد و در تدبر و اندیشه وحی تلاش کند، تا حق برایش آشکار گردد، و اگر برایش آشکار نشده باشد، آن را به کسی که عالم است بسپرد، و دست از توهم تناقض بردارد، و چنان بگوید که راسخان در علم می گویند:

{أَمَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا} [آل عمران: 7]،

{ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست} [آل عمران: ۷]، و باید بداند که در قرآن و سنت و بین آنها تناقض و اختلافی نیست.

*

فصل

و به ملائکه الله متعال ایمان داریم و به اینکه آنان: {بندگان گرامی هستند [که] در سخن بر او پیشی نمیگیرند، و به فرمان او کار میکنند} [انبیاء: ۲۶-۲۷].

الله آنان را از نور آفریده و آنان نیز به عبادت او مشغولند و به طاعت او گردن نهاده اند

{لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ * يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْنُونَ} [الأنبياء: 19-20].

{از پرستش وی تکبر نمی ورزند و درمانده نمی شوند * شبانه روز بی آنکه سستی ورزند تسبیح او گویند} [انبیاء: ۱۹-۲۰]. الله آنان را از دیدگان ما پنهان نموده، پس آنان را نمی بینیم، اما شاید آنان را برای برخی از بندگان آشکار سازد، فقد رأى النبي صلى الله عليه وسلم جبريل على صورته، له ست مئة جناح قد سد الأفق، وتمثل جبريل لمريم بشراً سوياً، فخطبته وخطبها، وأتى إلى النبي صلى الله عليه وسلم وعنده الصحابة بصورة رجل لا يعرف ولا يرى عليه أثر السفر، شديد بياض الثياب، شديد سواد الشعر، فجلس إلى النبي صلى الله عليه

وسلم فأسند ركبتيه إلى ركبتى النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم، ووضع كَفَّيه على فخذه، وخاطب النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم، وخاطبه النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم، وأخبر النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم أصحابه أنَّه جبريل. زیرا پیامبر - صلى الله عليه وسلم - جبرئیل را به همان شکل واقعی اش دید، که ششصد بال دارد و افق را کرانه تا کرانه در بر گرفته بود، و جبرئیل در برابر مریم به شکل یک انسان کامل در آمد، و با او سخن گفت و او با وی سخن گفته، و در حالی که در شکل یک مرد ناشناس بود که اثری از سفر بر او نبود، به نزد پیامبر - صلى الله عليه وسلم - آمد در حالی که صحابه نزد ایشان بودند، پس دستانش را بر رانهایش گذاشت و با پیامبر - صلى الله عليه وسلم - سخن گفت و ایشان با او سخن گفتند، و پیامبر - صلى الله عليه وسلم - صحابه را آگاه ساختند که ایشان جبرئیل است.

و ایمان داریم که ملائکه وظایفی دارند که به آن مامور شده اند.

از جمله جبرئیل که مامور وحی است، و آن را از نزد الله بر هر یک از پیامبران و رسولانش که بخواهد می رساند.
و از جمله آنان میکائیل است که مامور باران و رویندگی هاست.

و از آنان اسرافیل است که مامور دمیدن در صور به هنگام از هوش رفتن مردمان و سپس رستاخیز آنان است.

و همچنین ملک الموت، که موکل به قبض ارواح بندگان به هنگام مرگ است.

و از جمله آنان ملک کوه ها که مامور کوه هاست.

و از جمله آنان، مالک است و که خازن دوزخ است.

و از جمله آنان ملائکه موکل به جنینها در رحم هستند، و دیگرانی که موکل به محافظت از انسانها هستند، و دیگرانی که موکل به نوشتن اعمال بندگان هستند، و برای نوشتن اعمال هر بنده دو ملائکه هست.

{عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ [ق:17-18].}

{ دو فرشته دریافت کننده که یکی در سمت راست، و دیگری در سمت چپ نشسته است، هر سخنی که بر زبان می آورد، [فرشته] مراقبی در کنار او آماده [نوشتن] است } [ق: ۱۷-۱۸].

و دیگرانی که موکل هستند پس از دفن میت از او بپرسند. در این هنگام دو ملائکه به نزد او می آیند که از او دربارهٔ پروردگارش و دینش و پیامبرش می پرسند، در این هنگام:

{يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ [ابراهيم:27].}

{الله کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و در آخرت، با سخن استوار [توحید] ثابت می گرداند و ستمگران

[مشرک] را گمراه می کند؛ و الله هر کاری بخواهد انجام می دهد} [ابراهیم: ۲۷].

و از جمله آنان، ملائکه ای هستند که برای اهل بهشت موکل شده اند

{ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ } [الرعد: 23-24].

{و ملائکه از هر دری بر آنان وارد می شوند} [و می گویند] سلام بر شما برای آنچه شکیبایی ورزیدید، راستی چه نیکوست فرجام آن سرا} [رعد: ۲۳-۲۴].

و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بیان کرده اند که هر روز هفتاد هزار ملائکه به بیت المعمور در آسمان وارد می شود - و در روایتی در آن نماز می گزارند - سپس دوباره به آن باز نمی گردند.

*

فصل

و ایمان داریم که الله تعالی کتابهایی را بر پیامبران نازل نموده، که حجتی است برای جهانیان، و دستور العملی است برای عاملان که پیامبران با این کتابها به آنان حکمت می آموزند و تزکیه شان می کنند.

و ایمان داریم که الله تعالی همراه با هر رسولی کتابی فرستاده؛ زیرا می فرماید:

{لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ
النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا} [الحديد:25]، ونعلم من هذه الكتب:

{به تحقیق که رسولانمان را با حجت‌های آشکار و براهین
روشن فرستادیم، و همراه آنها کتابها نازل کردیم} [حدید:
۲۵]، از جمله این کتابها که می دانیم:

الف- تورات: که الله تعالی آن را بر موسی - صلی الله علیه
وسلم - نازل کرد، و این بزرگترین کتاب بنی اسرائیل است،
{فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا
وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ
شُهَدَاءَ} [المائدة:44].

{که در آن هدایت و نور است. پیامبرانی که [در برابر
فرمان الله] تسلیم بودند، بر اساس [آموزه های] آن برای یهود
داوری میکردند و [نیز] دانشمندان و فقیهان [یهودی] که
پاسداری از کتاب الله [و جلوگیری از تحریف تورات] به آنان
سپرده شده بود، و بر [حقانیت] آن گواه بودند} [مائدة: ۴۴].

ب- انجیل: که الله تعالی آن را بر عیسی - صلی الله علیه
وسلم - نازل کرد، و تاییدکننده تورات و کامل کننده آن است
{وَأَتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ
وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ} [المائدة:46]

{و انجیل را که در آن هدایت و نور بود به او دادیم که تصدیق کننده تورات پیش از وی بود و هدایت و اندرزی برای پرهیزگاران بود} [مائده: ۴۶]

{و [فرستاده شده ام] تا برخی از چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، حلال کنم} [آل عمران: ۵۰].

ج- زبور: که الله تعالی به داوود - صلی الله علیه وسلم - عطا کرد.

د- صحف ابراهیم و موسی - علیهما الصلاة والسلام -.

ه- قرآن عظیم: که الله بر پیامبرش محمد، خاتم پیامبران نازل کرد

{هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ} [البقرة: 185]. فكان مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ} [المائدة: 48].

{[کتابی] که راهنمای مردم است و دلایل آشکاری از هدایت [با خود دارد] و جداکننده [حق از باطل] است} [بقره: ۱۸۵].

کتابی که {تصدیق کننده کتاب های پیشین و حافظ و گواه بر آنهاست} [مائده: ۴۸].

و الله با آن همه کتابهای پیشین را نسخ نمود، و خود حفظ آن را از دستبرد بیهوده کاران و انحراف اهل تحریف بر عهده گرفت.

{إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ} [الحجر: 9]؛

{همانا ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما نگهبان آن هستیم} [حجر: ۹]؛ زیرا این قرآن تا روز قیامت حجتی بر همه جهانیان خواهد بود.

اما کتب پیشین مدت دار بودند و با نزول آنچه آن را نسخ می نمود و تحریف و تغییری که در آن رخ داده را بیان می کرد مدت آن به پایان می رسید؛ برای همین از دستبرد و تحریف معصوم نبودند، و دچار تحریف و کم و زیاد شدند.

{برخی از یهود، کلمات [الله] را از جای خود تحریف می کنند} [نساء: ۴۶].

{پس وای بر کسانی که با دست خود می نویسند، سپس می گویند: این از جانب الله است، تا آن را به بهای اندک بفروشند! پس وای بر آنها از آنچه دست‌هایشان نوشته است و وای بر آنان از آنچه [از این راه] به دست می آورند!} [بقره: ۷۹].

{بگو: آن کتابی را که موسی آورد چه کسی نازل کرده است؟ [همان کتابی که] برای مردم روشنایی و رهنمودی بود [و شما یهودیان] آن را به صورت [پراکنده بر] طومارها درمی آورید [و هر چه را که می خواهید] از آن آشکار می سازید و بسیاری را پنهان می کنید} [انعام: ۹۱].

{و گروهی از آنان [= یهود] هستند که زبان خود را به [هنگام تلاوت] کتاب [تورات] چنان می گردانند که گمان کنید [آنچه می خوانند واقعاً] از [مطالب آن] کتاب است، در حالی

که از آن کتاب نیست؛ و [باز به دروغ] می گویند: آن [جملات] از جانب الله است؛ در صورتی که از جانب الله نیست و بر الله دروغ میبندند، در حالی که خود [نیز حقیقت را] میدانند. برای هیچ بشری سزاوار نیست که الله به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد، سپس او به مردم بگوید: به جای الله، بندگان من باشید} [آل عمران: ۷۸-۷۹].

{ای اهل کتاب، همانا پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از [مطالب و آموزه های] کتاب [آسمانی خود] را که پنهان می کردید، برایتان به روشنی بیان کند} [مائده: ۱۵]
إِلَى قَوْلِهِ: {لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ} [المائدة: 15-17].

تا آنجا که می فرماید: {کسانی که گفتند: الله همان مسیح پسر مریم است، یقیناً کافر شدند} [مائده: ۱۵-۱۷].

*

فصل

و ایمان داریم که الله تعالی رسولانی را به سوی مردم فرستاده است

{رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا} [النساء: 165].

{پیامبران بشارت دهنده و هشدار دهنده تا برای مردم پس از [فرستادن] پیامبران در مقابل الله [بهانه و] حجتی نباشد و الله توانا و حکیم است} [نساء: ۱۶۵].

و ایمان داریم که نخستین آنها نوح، و آخرینشان محمد است، درود و سلام الله بر همه آنان باد

{إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ} [النساء: 163]، {مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ} [الأحزاب: 40].

{ما به سوی تو وحی کردیم همانطور که به نوح و پیامبران پس از او وحی نمودیم} [نساء: ۱۶۳]،

{محمد پدر هیچ یک از مردان شما نبوده است، بلکه فرستاده الله به سوی مردم، و خاتم پیامبران است} [احزاب: ۴۰].

و اینکه بهترین آنها محمد، سپس ابراهیم، سپس موسی، سپس نوح و عیسی بن مریم هستند، یعنی همان کسانی که در این آیه به شکل خاص ذکر شده اند:

{وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا} [الأحزاب: 7].

{و [ای پیامبر، یاد کن آن] هنگامی که از پیامبران پیمان [عبادت الله به یگانگی و نبوت] گرفتیم و [به ویژه] از تو و

نوح و ابراهیم و موسی و عیسی - پسر مریم؛ و از همه آنان پیمان محکمی [درباره تبلیغ دین] گرفتیم} [احزاب: ۷].

و باور داریم که شریعت محمد - صلی الله علیه وسلم - حاوی همه فضایل شریعت این پیامبران صاحب فضل است؛ زیرا پروردگار متعال می فرماید:

{شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ} [الشوری: 13].

{از دین همان را برای شما مقرر کرد که به نوح امر کرده بود؛ و نیز آنچه به تو وحی کردیم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی امر کردیم؛ اینکه: دین را برپا نگاه دارید و در مورد آن فرقه فرقه نشوید} [شوری: ۱۳].

و ایمان داریم که همه پیامبران مخلوق هستند و هیچ از یک ویژگی های پروردگاری را ندارند. الله تعالی درباره نوح که نخستین آنان است می فرماید:

{وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ} [هود: 31]، و امر الله تعالی محمداً وهو آخرهم أن يقول: {لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ} [الأنعام: 50].

{و به شما نمی گویم که گنجینه های الله نزد من است و غیب [نیز] نمی دانم و نمی گویم که من ملائکه ام} [هود: ۳۱]،

و الله تعالى محمد - صلى الله عليه وسلم - را که آخرین آنان است امر کرده که بگوید: {من نمی گویم خزاین الله نزد من است و غیب نمی دانم، و به شما نمی گویم من ملائکه هستم} [انعام: ۵۰].

و اینکه بگوید: {من برای خودم صاحب سود و زیانی نیستم مگر آنچه الله بخواهد} [اعراف: ۱۸۸] و اینکه بگوید: {بیگمان، من نه می توانم زیانی به شما برسانم و نه خیر و سودی، بگو: [اگر من نیز بر خلاف فرمانش رفتار کنم] هیچ کس مرا در برابر او حمایت نمی کند و پناهگاهی جز او نمی یابم} [جن: ۲۱-۲۲].

و ایمان داریم که آنها بنده ای از بندگان الله هستند که آنان را با پیامبری گرامی داشته است، و در والاترین جایگاه ها و در سیاق ستایش از آنان تحت عنوان «بنده» نام برده است؛ از این رو درباره اولین آنها نوح می فرماید:

{ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا} [الإسراء: 3]، وقال الله تعالى في آخرهم مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: {تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا} [الفرقان: 1].

{فرزندان کسانی که آنان را با نوح [در کشتی] سوار کردیم، به راستی او [= نوح] بنده ای شکرگزار بود} [اسراء: ۳]،

و الله تعالى درباره آخرین آنها محمد - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: {پیر برکت و بزرگوار است کسیکه فرقان (= قرآن) را بر بنده اش نازل کرد؛ تا بیم دهنده جهانیان باشد} [فرقان: ۱].

و درباره دیگر پیامبر فرمود: {و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده ور بودند به یاد آور} [ص: ۴۵]

{وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ} [ص: 17] {وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ} [ص: 30]، وقال في عيسى ابن مريم: {إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ} [الزخرف: 59].

{و از بنده ما - داود توانمند - یاد کن [که] بی تردید، بسیار توبه کار بود} [ص: ۱۷]

{و سلیمان را به داود عطا کردیم؛ نیکو بنده ای بود [و] بی تردید، بسیار توبه کار بود} [ص: ۳۰]،

و درباره عیسی بن مریم می فرماید: {او نیست مگر بنده ای که بر او منت نهادیم و او را سرمشق [و نشانه ای] برای بنی اسرائیل گردانیدیم} [زخرف: 59].

و ایمان داریم که الله تعالی همه رسالتها را با رسالت محمد - صلی الله علیه وسلم - به پایان رسانده و او را به سوی همه مردم فرستاده است؛

لَقَوْلِهِ تَعَالَى: {قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ} [الأعراف:158].

زیرا می فرماید: {بگو: ای مردم! من فرستاده الله به سوی همه شما هستم، آن پروردگاری که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست، معبود [راستینی] جز او نیست، زنده می کند، و می میراند، پس به الله و فرستاده اش آن پیامبر «امی» (درس ناخوانده) که به الله و کلماتش ایمان دارد، ایمان بیاورید، و از او پیروی کنید؛ باشد که هدایت شوید} [اعراف: ۱۵۸].

و ایمان داریم که شریعت او - صلی الله علیه وسلم - همان دین اسلام است که الله برای بندگانش پسندیده، و از هیچ کسی جز آن را نمی پذیرد؛

لَقَوْلِهِ تَعَالَى: {إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ} [آل عمران:19] وقوله: {الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا} [المائدة:3].

زیرا می فرماید: {همانا دین [پذیرفته شده] نزد الله، اسلام است} [آل عمران: ۱۹]

و می فرماید: {امروز دینتان را برایتان کامل ساختم و نعمتم را بر شما به کمال رساندم و برای شما اسلام را [به عنوان دین] پسندیدم} [مائده: ۳].

و به دلیل این سخن او تعالی: {و هرکس دینی غیر از اسلام بجوید؛ الله هرگز از او نمی پذیرد، و او در آخرت از زیانکاران است} [آل عمران: ۸۵].

و باور داریم که هر کس امروز بگوید دینی دیگر جز اسلام نزد الله پذیرفته می شود، مانند دین یهودیت یا نصرانیت، چنین کسی کافر است، سپس اگر در اصل مسلمان باشد از او توبه خواسته می شود، و اگر توبه کرد [رها می شود] وگرنه به عنوان مرتد کشته می شود؛ زیرا قرآن را تکذیب کرده است.

و باور داریم که هر کس انکار کند که رسالت محمد - صلی الله علیه وسلم - برای همه مردم است، به همه پیامبران کافر شده است، حتی به همان پیامبری که ادعا می کند به او ایمان دارد و از او پیروی می کند،

لقله تعالی: {كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ} [الشعراء: 105].

زیرا حق تعالی می فرماید: {قوم نوح، پیامبران را دروغگو انگاشتند} [شعراء: ۱۰۵].

و آنان را تکذیب کننده همه رسولان دانسته با وجود آنکه پیش از نوح پیامبری نیامده است،

وقال تعالى: { إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا } [النساء: 150-151].

و به دلیل این سخن الله متعال که: {کسانی که به الله و پیامبرانش کفر می ورزند و می خواهند میان الله و پیامبرانش جدایی اندازند و می گویند: ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می کنیم، و می خواهند در این [میان، بین کفر و ایمان برای خود] راهی برگزینند، آنان به راستی کافرند و ما برای کافران عذابی خفت بار مهیا کرده ایم} [نساء: ۱۵۰-۱۵۱].

و ایمان داریم که پس از محمد فرستاده الله - صلی الله علیه وسلم - پیامبری نخواهد آمد، و کسی که بعد از او ادعای پیامبری کند یا ادعای کسی که مدعی پیامبری شده را بپذیرد کافر است؛ زیرا قرآن و سنت و اجماع مسلمانان را منکر شده است.

و ایمان داریم که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - پس از خود خلفای راشدی داشته که در علم و دعوت و ولایت ایشان را جانشینی کردند، و اینکه بهترین آنان و به حق ترین آنان در امر خلافت ابوبکر صدیق، سپس عمر بن الخطاب، سپس عثمان بن عفان، سپس علی بن ابی طالب است. الله از همه آنان راضی باد.

قدر و منزلت آنان در خلافت چنان بود که از نظر شرع دارای فضیلت بودند، و شایسته نبود که الله - که حکمتش رساست - کسی را در بهترین قرن‌ها بر آن نسل ولایت دهد، مگر آنکه بهترینشان و شایسته ترینشان به خلافت باشد.

و ایمان داریم که مفضلِ آنان [که از نظر فضیلت کلی پایین تر از قبل خود است] ممکن است در یک ویژگی بهتر از کسی باشد که [به طور کلی] از او برتر است، اما به سبب این ویژگی مستحق فضیلت مطلق بر او نمی شود، زیرا موجبات فضل و برتری بسیار و متنوع است.

و ایمان داریم به اینکه این امت بهترین امتهای و گرامی ترین آنان نزد الله عزوجل هستند؛

لَقَوْلِهِ تَعَالَى: {كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ} [آل عمران: 110].

زیرا حق تعالی می فرماید: {شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید: به کار نیک فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به الله ایمان دارید} [آل عمران: ۱۱۰].

و ایمان داریم که بهترین این امت صحابه، سپس تابعین، سپس تابعان آنها و اینکه همواره گروهی از این امت بر حق محکم و آشکار باقی می مانند، و ترک یاری یا مخالفت دیگران زبانی به آنان نمی رساند تا آنکه امر الله عزوجل فرا رسد.

و معتقدیم که فتنه هایی که میان صحابه رخ داد از روی تاویلی رخ داده که بر اساس اجتهاد بوده است، پس آن دسته که اجتهادشان درست بوده دو اجر دارند و آنکه در اجتهادش به خطا رفته یک اجر دارد و خطایش مورد عفو است.

و بر اساس باور ما باید از بد گفتن از آنان دست کشید، و نباید از آنان نام برد مگر بنابر ستایش نیکی که شایسته آن است، و باید که دلهای خود را از کینه و نفرت هر یک از آنان خالی نگه داریم؛

لَقَوْلِهِ تَعَالَى فِيهِمْ: {لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى} [الحديد: 10].

زیرا حق تعالی می فرماید: {کسانی از شما که قبل از فتح [مکه] انفاق کردند و جنگیدند [با کسانی که پس از فتح انفاق کردند و جنگیدند] یکسان نیستند. آنها مقام [و منزلت] شان و بالاتر است از کسانی که بعد از فتح انفاق کردند و جنگیدند، و الله به هر یک و عده نیک [= بهشت] داده است} [حديد: ۱۰].

و خطاب به ما می فرماید: {و [نیز] کسانی که پس از آنها [= پس از مهاجران و انصار] آمده اند، می گویند: پروردگارا، ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند کینه ای قرار مده. پروردگارا، بی گمان، تو دلسوز مهربانی} [حشر: ۱۰].

فصل

و ایمان داریم که روز بازپسین یعنی روز قیامت، [آخرین روز است و] و روزی پس از آن نیست، آنگاه که الله مردم را برمی خیزاند تا برای همیشه زنده بمانند، یا در سرزمین خوشی ابدی و یا در سرزمین عذاب دردناک.

ما به رستاخیز یعنی زنده ساختن مردگان توسط الله متعال باور داریم، آنگاه که اسرافیل برای دومین بار در صور می دمَد:

{وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ} [الزمر: 68].

{و در صور دمیده می شود؛ آنگاه هر کسی که در آسمان ها و در زمین است، مدهوش شده [و می میرد]، مگر کسی که الله بخواهد؛ آنگاه بار دیگر در آن دمیده می شود، و ناگهان همگی [زنده می شوند و] بر می خیزند و می نگرند} [زمر: ۶۸].

آنگاه مردم از قبر هایشان برانگیخته پابرهنه و بی کفش و عریان و بی لباس و ختنه نشده، به سوی پروردگار جهانیان می شتابند

{كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ} [الأنبياء: 104].

{همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم دوباره آن را باز می گردانیم، وعده ای است بر عهده ما که ما انجام دهنده آنیم} [انبیاء: ۱۰۴].

و به نامه های اعمال باور داریم که به دست راست، یا از پشت سر به دست چپ داده می شود

{ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا وَيَصْلَى سَعِيرًا } [الانشقاق: 7-12].

{پس اما کسیکه نامه [اعمالش] به دست راستش داده شود، به زودی به حسابی آسان، محاسبه می شود، و شادمان به سوی خانواده اش باز می گردد؛ و اما کسی که نامه [اعمال او] از پشت سرش به او داده شود، به زودی نابودی خود را خواهد طلبید} [انشقاق: ۷-۱۲].

{و کارنامه هر انسانی را مانند گردنبند، پیوست او قرار داده ایم، و در روز قیامت نامه ای برایش درمی آوریم که [تمام اعمال خیر و شری را که انجام داده است] گشوده و مبسوط در برابر خویش می بیند. نامه خود را بخوان، امروز همین کافی است که خودت حسابرس خودت باشی} [اسراء: ۱۳-۱۴].

و به ترازوهایی باور داریم که در روز قیامت نهاده می شوند، بنابراین به کسی ظمی نمی رود،

{ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ } [الزلزلة: 7-8]. { فَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ } [المؤمنون: 102-104] { مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ } [الأنعام: 160].

{ آنگاه هر کس به اندازه ذره ای کار نیک انجام داده باشد، [پاداش] آن را می بیند، و هر کس به اندازه ذره ای کار بد کرده باشد، [کیفر] آن را می بیند } [زلزله: ۷-۸].

{ و هر کس وزنه اعمالش سنگین باشد، آنان رستگار اند، و هر کس وزنه اعمالش سبک باشد، آنانند که به خویش زیان زده اند و در دوزخ جاودانند، آتش چهره هایشان را می سوزاند و در آنجا عبوس و زشت منظرند } [مؤمنون: ۱۰۲-۱۰۴]

و می فرماید: { هر کس یک نیکی بیاورد برایش ده برابر آن [پاداش] است و کسی که بدی بیاورد جز به اندازه آن جزا داده نمی شود و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند } [انعام: ۱۶۰].

و به شفاعت عظمی که تنها مخصوص رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است، باور داریم که الله تعالی شفاعت او را می پذیرد تا میان بندگان داور می کند، آن هنگام که دچار نگرانی و سختی غیر قابل تحمل می شوند و به نزد آدم، سپس

نوح، سپس ابراهیم، سپس موسی و سپس عیسی می روند تا آنکه در پایان به نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می روند.

و به شفاعت برای بیرون آوردن آن دسته از مؤمنان که وارد دوزخ شده اند باور داریم، و این شفاعت هم برای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است هم برای دیگر پیامبران و مؤمنان و ملائکه، و باور داریم که الله تعالی گروه هایی از مؤمنان را بدون شفاعت و از روی فضل و رحمتش از دوزخ بیرون می آورد.

و به حوض پیامبر - صلی الله علیه وسلم - باور داریم، که آب آن سفیدتر از شیر، و خوشتر از عسل، و خوشبوتر از مشک است، که طول آن یک ماه و عرض آن یک ماه است، و ظرف های آن از زیبایی همانند ستارگان آسمان است و مؤمنان امت او بر آن وارد می شوند و کسی که از آن بنوشد پس از آن دیگر تشنه نمی شود.

و به وجود پلی که بر روی جهنم زده شده باور داریم، و باور داریم که مردم بر اساس اعمال خود از آن می گذرند؛ نخستین آنان همانند سرعت برق از آن می گذرند، سپس [گروهی دیگر] همانند باد، سپس همانند عبور پرندگان و همانند مردان سریع، و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بر صراط ایستاده می گوید: «پروردگارا سلامت دار، سلامت دار!».»

تا آنکه اعمال بندگان [از مرور سریع آنان] ناتوان می شود، پس کسانی سینه خیز می آیند و بر دو طرف صراط چنگال هایی آویزان هستند که امر شده اند تا کسانی را بردارند؛ پس برخی زخمی شده و نجات می یابند و برخی در آتش انداخته می شوند.

و به هر آنچه در قرآن و سنت درباره اخبار و حوادث هولناک آن روز آمده باور داریم. از الله خواهانیم که با منت و کرمش آن روز را برای ما آسان گرداند.

و به شفاعت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برای وارد شدن اهل بهشت به آن باور داریم، و این شفاعت مخصوص پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است.

و به بهشت و دوزخ ایمان داریم:

بهشت: دار نعمت و خوشی است که الله آن را برای مؤمنان متقی آماده ساخته، و نعمتهایی در آن است که نه چشمی دیده و نه گوشتی شنیده و نه به دل بشری خورده است،

{فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاء بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ} [السجدة: 17].

{هیچ کس نمی داند به [پاس] آنچه [این مؤمنان در دنیا] انجام می دهند، چه [بسیار مایه] روشنی چشم ها برایشان نهفته است} [سجدة: ۱۷].

اما دوزخ، سرزمین عذاب است که الله تعالی برای کافران
ستمگر فراهم ساخته. در آنجا انواع عذاب و ذلت هست که به
دل هم خطور نمی کند،

{إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ
كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا} [الكهف: 29].

{ما برای ستمکاران آتشی آماده کرده ایم که سرپرده
هایش آنان را از هر سو فرامی گیرد؛ و اگر [در طلب آب،]
فریادرسی بجویند، با آبی همچون مس گداخته به فریادشان
می رسند؛ [آبی که حرارتش] چهره ها را بریان می کند. چه
بد نوشیدنی و چه بد جایگاهی است!} [کهف: ۲۹].

و این دو یعنی بهشت و دوزخ هم اکنون موجودند و هرگز
فنا نمی شوند،

{وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا} [الطلاق: 11] {إِنَّ
اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا
نَصِيرًا يَوْمَ نُفْلَبُ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا
الرَّسُولَ} [الأحزاب: 64-66].

{و هر کس به الله ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد،
[الله] او را به باغهایی [از بهشت] وارد می کند که از زیر
[درختان] آن جویبارها جاری است؛ جاودانه در آن می مانند.
به راستی الله رزق و روزی اش را نیکو گردانیده است}
[طلاق: ۱۱]

{الله کافران را نفرین کرده و برایشان دوزخی آماده نموده که تا ابد در آن جاودان می مانند [و] در آن یار و یاورى نمى یابند. روزى که چهره هایشان در آتش دوزخ دگرگون مى شود، [با پشیمانى] مى گویند: اى کاش از الله و پیامبر اطاعت کرده بودیم} [احزاب: ۶۴-۶۶].

و برای هر کس که قرآن و سنت شخصا یا وصفا او را بهشتى دانسته شهادت مى دهیم که بهشتى است:

از جمله کسانی که عینا و شخصا گواهی به بهشتى بودنشان داده شده: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و دیگر کسانی است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از آنان عینا نام برده است.

و از جمله شهادت به وصف: شهادت به بهشتى بودن هر مؤمن یا متقى است.

و برای هر کس که قرآن و سنت شخصا یا وصفا او را دوزخى دانسته شهادت مى دهیم که دوزخى است:

و از جمله کسانی که عینا و شخصا شهادت به دوزخى بودنشان داده شده: ابولهب و عمرو بن لحيّ خزاعی و مانند آنان هستند.

و از جمله کسانی که وصفا شهادت به دوزخى بودنشان داده مى شود هر کافر یا مشرکی است که دچار شرک اکبر شده، و هر منافقى است.

و به فتنه قبر ایمان داریم و آن پرسشی است که در قبر از میت می شود و از او درباره پروردگارش و دینش و پیامبرش پرسیده می شود، آنگاه:

{يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ}
[ابراهیم: 27]

{الله کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و در آخرت، با سخن استوار [توحید] ثابت می گرداند و ستمگران [مشرک] را گمراه می کند؛ و الله هر کاری بخواهد انجام می دهد} [ابراهیم: ۲۷] مؤمن در پاسخ می گوید: پروردگارم الله است، و دینم اسلام است و پیامبرم محمد است، اما کافر و منافق می گوید: نمی دانم! شنیدم که مردم چیزی می گفتند و من نیز همان را گفتم.

و به خوشی و نعیم قبر برای مؤمنان باور داریم:

{الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ} [النحل: 32].

{کسانی که فرشتگان در حالی جانشان را می ستانند که [از آلودگی کفر و گناه] پاکند [و به آنان] می گویند: درود بر شما. به [پاداش] آنچه می کردید [اینک] به بهشت درآیید} [نحل: ۳۲].

و به عذاب قبر برای ستمگران کافر ایمان داریم:

{وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ} [الأنعام: 93].

{و کاش ستمکاران را در گردابهای مرگ می دیدی که ملائکه [به سوی آنان] دستهایشان را گشوده اند [و نهیب می زنند که] جانهایتان را بیرون دهید، امروز عذاب خفت باری در برابر آنچه ناحق بر الله می گفتید، و نسبت به آیات او تکبر ورزیدید، خواهید دید} [انعام: ۹۳].

و احادیث در این باب پرشمار و واضح است.

بنابراین بر مؤمن واجب است که به هر یک از این امور غیبی که در قرآن و سنت آمده ایمان آورد، و بر اساس آنچه در دنیا می بیند با آن مخالفت نکند، زیرا امور آخرت را بر اساس امور دنیا قیاس نمی کنند زیرا تفاوت بین این دو بسیار بزرگ است، و الله المستعان.

*

فصل

و به قَدَر، خیر و شر آن ایمان می آوریم، و آن تقدیر الله تعالی برای کائنات است چنانکه در علمش گذشته و حکمتش اقتضا کرده است.

و قَدَر چهار مرتبه دارد:

مرتبه نخست علم است. ما ایمان داریم که الله به همه چیز آگاه است و هر چه را که بوده و می شود و چگونه خواهد با علم ازلی ابدی اش می داند، بنابراین پس از نادانی علمی برایش حاصل نمی شود و پس از علم دچار فراموشی نمی شود.

مرتبه دوم نوشتن است. ما ایمان داریم که الله تعالی هر آنچه تا روز قیامت خواهد شد را در لوح محفوظ نوشته است:

{أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ} [الحج: 70].

{آیا ندانسته ای که الله آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟ بی گمان [همه] اینها در کتابی [ثبت] است. مسلماً این [کار،] بر الله آسان است} [حج: ۷۰].

مرتبه سوم مشیت است. ما ایمان داریم که الله تعالی هر آنچه در آسمان و زمین است را اراده کرده و هیچ چیز بدون اراده و مشیت او رخ نمی دهد، هر آنچه الله بخواهد می شود و آنچه را نخواهد نمی شود.

مرتبه چهارم آفرینش است. ما ایمان داریم به اینکه الله تعالی:

{خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ} [الزمر: 62-63].

{الله آفریدگار همه چیز است، و او بر همه چیز نگهبان است، کلید [گنجینه های] آسمان ها و زمین در اختیار اوست} [زمر: ۶۲-۶۳].

و این چهار مرتبه شامل هر آن چیزی می شود که از سوی الله تعالی رخ داده یا از سوی بندگان، بنابراین هر آنچه از بندگان صادر می شود، چه قول باشد و چه فعل و چه ترک و انجام ندادن چیزی باشد را الله می داند و نزد او نوشته شده، و الله تعالی آن را اراده کرده و آفریده است

{لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ} [التكوير: 28-29] {وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَلَوْا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ} [البقرة: 253] {وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ} [الأنعام: 137] {وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ} [الصافات: 96].

{برای کسی از شما که بخواد راه راست در پیش گیرد * و شما [چیزی را] نمی خواهید، مگر آنکه پروردگار جهانیان [اراده کند و] بخواد} {تکویر: ۲۸-۲۹}

{و اگر الله می خواست، [هرگز] با هم نمی جنگیدند؛ ولی الله آنچه را می خواهد، انجام می دهد} [بقره: ۲۵۳]

{و اگر پروردگارت می خواست، چنین نمی کردند پس آنان را با آنچه افترا می زنند رها کن} [انعام: ۱۳۷]

{و حال آنکه الله، [هم] شما و [هم] آنچه را انجام می دهید آفریده است} [صافات: ۹۶].

اما با این حال اعتقاد داریم که الله تعالی برای بنده اختیار و قدرتی قرار داده که کارش با آن رخ می دهد، و دلیل اینکه کار بنده با اختیار و قدرت او رخ می دهد چند مورد است:

نخست: آنجا که می فرماید: {پس هر گونه که می خواهید به کشتزار خود درآیید} [بقره: ۲۲۳].

و آنجا که می فرماید: {و اگر خواهان بیرون رفتن بودند برایش توشه آماده می ساختند} [توبه: ۴۶] بنابراین اینجا برای بنده آمدنی بر اساس خواسته اش و آماده شدن بر اساس اراده اش را اثبات کرده است.

دوم: مورد خطاب قرار داده شدن بنده با امر و نهی، حال آنکه اگر بنده اختیار و قدرتی نداشت امر و نهی او به معنای مکلف کردنش به کاری بود که در توانش نیست و این چیزی است که از حکمت الله تعالی و رحمتش و از این خبر راست او به دور است که می فرماید:

{لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا} [البقرة: 286].

{الله هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد} [بقره: ۲۸۶].

سوم: ستایش نیکوکار برای نیکوکاری اش، و نکوهش بدکار برای بدکاری اش، و پاداش هر یک بر اساس آنچه مستحق آن است، و اگر چنین نبود که کار بر اساس اراده و اختیار بنده انجام می شود، ستایش نیکوکار و مجازات بدکار

چیزی جز ظلم نبود، اما الله تعالی از بیهودگی و ستم منزّه است.

چهارم: الله تعالی پیامبران را فرستاده است، پیامبرانی که: {مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ} [النساء: 165]

{بشارت دهنده و بیم دهنده بودند تا برای مردم پس از [بعثت] پیامبران، در مقابل الله [هیچ بهانه و] حجتی نباشد} [نساء: ۱۶۵]، و اگر کار بنده بر اساس اراده و اختیارش نبود، ارسال پیامبران باعث از بین رفتن بهانه و تمام شدن حجت نمی شد.

پنجم: هر فاعلی این را درک می کند که یک کار را بدون آنکه احساس اجبار داشته باشد انجام می دهد یا ترک می کند. او می ایستد و می نشیند، وارد می شود و بیرون می رود، به مسافرت می رود و ساکن می شود، و همه اینها را با اراده محض انجام می دهد، و احساس نمی کند که کسی او را برای این کارها مجبور کرده است، بلکه به شکل واقعی میان اینکه کاری را با اختیار خودش انجام دهد یا کسی او را بر آن مجبور کرده باشد فرق می گذارد. همینطور شرع نیز در حکم این دو [یعنی کار اختیاری و کار از روی اجبار] تفاوت گذاشته و کسی را برای کاری که به اجبار انجام داده و حقی از حقوق پروردگار به آن تعلق می گیرد مؤاخذه نمی کند.

و معتقدیم که تقدیر الهی برای گناه گناهکار هیچ توجیه و بهانه ای نیست؛ زیرا گناهکار بنابر اختیارش مرتکب گناه می شود، بدون آنکه بداند الله تعالی این را برای او مقدر کرده یا خیر، زیرا کسی از تقدیر الله باخبر نمی شود مگر پس از وقوع آن.

{وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا} [لقمان: 34].

{و کسی نمی داند فردا چه به دست می آورد} [لقمان: ۳۴].

پس چگونه می شود به چیزی استناد کرد که شخص بهانه گیر در هنگام انجام آنچه می خواهد با قدر آن را بهانه کند از آن مطلع نیست؟ الله تعالی نیز این حجت را باطل نموده و می فرماید:

{سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ} [الأنعام: 148].

{به زودی کسانی که شرک ورزیدند می گویند: «اگر الله می خواست، نه ما شرک می آوردیم و نه پدران ما، و نه چیزی را تحریم می کردیم» کسانی که پیش از آنها بودند [نیز] این چنین تکذیب کردند، تا آنکه [طعم] عذاب ما را چشیدند. بگو: «آیا نزد شما [دلیل و] دانشی است که آن را برای ما آشکار سازید؟! شما فقط از پندارهای بی اساس

پیروی می کنید، و شما جز گزافه و دروغ نمی گوئید» {
[انعام: ۱۴۸].

و به گناهکاری که قَدَر را بهانه کرده می گوئیم: چرا با استدلال به اینکه الله تعالی برایت انجام طاعت را مقدر کرده، رو به طاعت نمی آوری، زیرا طاعت و معصیت قبل از آنکه توسط تو انجام شود همانند هم مجهول هستند [و تو از آن مطلع نیستی]؟

از این رو، هنگامی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خطاب به صحابه فرمودند که جایگاه هر کس در بهشت و دوزخ نوشته شده است، آنان گفتند: آیا بر همین تکیه نکنیم و دست از عمل نکشیم؟ ایشان فرمودند: «لا، اعملوا فکلٌ میسرٌ لما خلق له». «خیر، تلاش کنید، زیرا هر کس برای آنچه برایش آفریده شده توفیق داده خواهد شد».

و به گناهکاری که به تقدیر استناد می کند می گوئیم: اگر بخواهی به مکه سفر کنی و دو راه داشته باشی، و راستگویی به تو بگوید که یکی از این دو راه ترسناک و سخت است و دیگری امن است و آسان، تو راه دوم را انتخاب خواهی کرد و ممکن نیست که راه اول را در پیش بگیری و بگویی که این برایم مقدر شده است؛ و اگر چنین کنی مردم تو را از جمله دیوانگان خواهند دانست.

و همچنین به او می گوئیم: اگر دو شغل را به تو پیشنهاد دهند که یکی حقوقش بیشتر است، تو همین شغل را انتخاب می کنی نه شغل با حقوق کمتر را، بنابراین چگونه ممکن

است که در مورد اعمال آخرت آنچه را کم ارزشتر است انجام می دهی سپس تقدیر را بهانه می کنی؟!!

و همچنین می گوییم: تو را می بینیم که هرگاه دچار بیماری بدنی می شوی برای درمان به هر طبیبی مراجعه می کنی و درد جراحی و تلخی دارو را تحمل می کنی.

پس چرا همین کار را درباره بیماری دلت که به سبب گناهان است انجام نمی دهی؟

و ایمان داریم که به سبب کمال رحمت و حکمت الهی، شر به او نسبت داده نمی شود، قال النبی صلی الله علیه وسلم: «و الشرّ لیس إلیک» رواه مسلم. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «و شر به تو نسبت داده نمی شود» به روایت مسلم.

یعنی خود قضای الهی هرگز شر نیست، بلکه از روی رحمت و حکمت برآمده، بلکه شر در مقتضیات آن است [مانند خود بیماری یا درد و...]. لقول النبی صلی الله علیه وسلم في دعاء القنوت الذي علّمه الحسن رضي الله عنه: «وقني شرّ ما قضيت» چنانکه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در دعای قنوتی که به حسن - رضي الله عنه - یاد دادند می فرمایند: «و مرا از شر آنچه قضا کرده ای حفظ کن» اینجا شر را به آنچه قضا نموده منسوب کرده، با این حال شر در مقتضیات یک شر خالص محض نیست، بلکه شری است که از یک نظر شر است اما از وجه دیگری خیر است، یا در محل خودش شر است اما در محلی دیگر خیر.

برای مثال فساد در زمین مانند خشکسالی و بیماری و فقر و ترس، شر است، اما در محلی دیگر خیر است. الله تعالی می فرماید:

{ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ} [الروم: 41].

{به سبب گناهانی که مردم مرتکب شده اند، فساد [و تباهی] در خشکی و دریا آشکار گشته است تا [الله] جزای برخی از اعمالشان را به آنان بچشاند؛ باشد که [به سوی حق] بازگردند} [روم: ۴۱].

قطع دست دزد و رجم زناکار برای خود سارق و زناکار شر است، اما از وجهی دیگر برای آنها خیر است، زیرا کفاره آنها می شود چراکه مجازات دنیا و آخرت با هم یکجا نمی شود [یعنی اگر در دنیا مجازات شوند در آخرت نمی شوند]، و از سویی دیگر خیر است، زیرا باعث حفظ اموال و آبرو و انساب می شود.

*

فصل

این عقیده والا که این اصول گرانبار را در خود دارد ثمرات گرانقدر بسیاری را برای باورمند خود دارد.

زیرا ایمان به الله تعالی و نامها و صفاتش باعث ایجاد محبت الله و بزرگداشت او نزد بنده می شود که همین باعث

می شود امر او را انجام دهد و از آنچه نهی کرده دوری
گزیند، و انجام امر و اجتناب از نهی او باعث به دست آمدن
سعادت کامل در دنیا و آخرت برای فرد و جامعه است:

{مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً
وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ} [النحل: 97].

{هر کس - مرد یا زن - که کار نیک کند و مؤمن باشد،
قطعاً او را [در دنیا] به زندگانی پاک و پسندیده ای زنده می
داریم و [در آخرت نیز] بر اساس نیکوترین [طاعت و] کاری
که می کردند، به آنان پاداش می دهیم} [نحل: ۹۷].

از ثمرات ایمان به ملائکه:

اولاً: علم به عظمت خالق آنان - تبارک و تعالی - و قدرت
و سلطان او.

دوم: شکرگزاری الله تعالی برای عنایت او به انسانها
آنطور که از این ملائکه کسانی را مامور حفظ آنان و نوشتن
اعمالشان و دیگر مصالح آنان برگمارده است.

ثالثاً: دوست داشتن ملائکه به سبب آنکه عبادت الله تعالی
را به کاملترین وجه انجام می دهند و برای مؤمنان آمرزش
می خواهند.

و از ثمرات ایمان به کتب آسمانی:

نخست: علم به عنایت الله تعالی به بندگان؛ آنطور که
برای هر قومی کتابی نازل کرده تا با آن هدایت شوند.

ثانیا: آشکار شدن حکمت الله تعالى، آنطور که در این کتابها برای هر امتی آنچه مناسب آنان است مشروع ساخته، و پایان بخش این کتابها - قرآن عظیم - مناسب همه مردم در همه دورانها و مکانها تا روز قیامت است.

ثالثا: شکر نعمت الله تعالى برای آن.

و از ثمرات ایمان به پیامبران:

اولا: آگاهی از رحمت الله تعالى، و توجه او به بندگان، آنطور که برای آنان این پیامبران گرامی را فرستاده، تا هدایت و راهنمایی شان کنند.

ثانیا: شکر او تعالى برای این نعمت بزرگ.

ثالثا: دوست داشتن پیامبران و گرامی داشت و ستایش آنان چنانکه شایسته اش هستند، زیرا آنان فرستادگان الله تعالى و بندگان خاص اویند، که عبادت و تبلیغ رسالت و خیرخواهی برای بندگان و صبر بر آزارشان را انجام داده اند.

از ثمرات رکن پنجم یعنی ایمان به آخرت:

اولا: تلاش در راه طاعت الله تعالى برای به دست آوردن ثواب آن روز، و دوری از معصیت او از ترس مجازات آن روز.

دوم: امید به نعمت و کالای آخرت نوعی دلداری برای مؤمن است در برابر چیزهایی که در این دنیا از دست می دهد.

و از ثمرات ایمان به قَدَر:

اولاً: تکیه به الله تعالی هنگام انجام اسباب، زیرا سبب و مسبب هر دو بر اساس قضا و قدر الهی است.

ثانیاً: آسودگی درون و آرامش دل، زیرا هرگاه بنده بداند که همهٔ اینها بنابر قضای الله تعالی است و آنچه دوست ندارد ناگزیر رخ می‌دهد، درونش آسوده و دلش آرام می‌شود و به قضای پروردگار خشنود می‌شود، بنابر این هیچ کس زندگی خوش‌تر، و درونی آسوده‌تر، و آرامشی بیشتر از آن کسی که به قدر ایمان آورده ندارد.

ثالثاً: در صورت حصول خواسته، باعث اخراج خود شیفتگی و خودپسندی می‌شود، زیرا حصول آن نعمت برای آن بوده که الله اسباب خیر و موفقیت را مقرر نموده، بنابر این شکر الله تعالی را به جا می‌آورد و اعجاب و خودبینی را کنار می‌گذارد.

رابعاً: دور ساختن نگرانی و نومییدی در صورت از دست رفتن مراد یا حاصل شدن آنچه دوست ندارد؛ زیرا همهٔ اینها بنابر قضای الله تعالی بوده که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست و آنچه او خواسته قطعاً رخ می‌دهد، بنابر این صبر پیشه می‌سازد و اجر آن را در نظر می‌گیرد، و این همان چیزی است که الله تعالی بدان اشاره کرده است:

{ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ } [الحديد: 22-23].

{هیچ آسیبی در زمین و یا در وجود شما روی نخواهد داد، مگر آنکه پیش از ایجادش، در دفتر [علم الهی] رقم خورده است. به راستی که این کار، بر الله آسان است. [این نکته را تذکر دادیم] تا بر آنچه از دستتان می رود افسوس نخورید، و به آنچه به دست می آورید سرمست نگردید، که الله هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد} [حدید: ۲۲-۲۳].

از الله تعالی خواهانیم که ما را بر این عقیده پایدار گرداند، و ثمرات آن را برای ما محقق گرداند، و از فضل خود به ما افزون دهد، و دل‌های ما را پس از هدایت‌مان دستخوش تغییر نسازد، و از سوی خود به ما رحمتی ارزانی دارد؛ که او بسیار بخشنده است. و ستایش از آن الله، پروردگار جهانیان است.

و درود و سلام الله بر پیامبر ما محمد و بر آل و اصحاب ایشان و همه کسانی باید که به نیکی از آنان پیروی کنند.

پایان یافت، به قلم مولفِ آن،

محمد بن صالح العثیمین

در تاریخ ۳۰ شوال سال ۱۴۰۴ هجری قمری

*

فهرست

2	عقیده اهل سنت و جماعت
5	عقیده ما
21	فصل
23	فصل
26	فصل
30	فصل
40	فصل
56	فصل